



۲۰۱۸/۰۶/۱۵

ملک الشعراء خلیل الله خلیلی افغان

عیدی به هموطنان

انتخاب و تهیه ولی احمد نوری

شب عید است و زان شهر غم آلود ز شادی بر نمی آید صدایی
در این ماتم سرا دودی نبینی به جز آه یتیمی بی نوایی

** * **

مبارک باد عید آن مادری را که فرزندش به خ «ون غلتیده امروز
به جایی روی گرم تابناکش به زاری مرقدش بوسیده امروز

** * **

بگوش اید فغانش در دل شب کجا این گرگ فرزند مرا خورد
کجا این گرگ پیر آدمی خوار کجا فردند دلبنده مرا بُرد

** * **

مبارک عید بر سنگر گزینی که جان داده به زیر تیغ جلاد
برای حفظ هر خاری درین خاک سپر کرده تنش چون کوه پولاد

** * **

به آنانی که از دل بوسه دادند لب شمشیرهای آبگون را
ز هر رنگی برای ثبت تاریخ پسندیدند تنها رنگ خون را

** * **

مبارک عید بر آزادمردان برهنه پای ها دشمن شکن ها
به جای جامه کرده زینت تن به روز عید خود گلگون کفن ها

** * **

مبارک عید آنانرا که یک عمر در آن کشور نخسپیدند آرام
ولی امروز با عزمی چوکهسار ستانند از دهان اژدها کام

** * **

مبارک عید باد آوارگان را که زیر آسمان جایی ندارند
اگر اینجا به غربت جان سپارند برای قبر مأوایی ندارند

** * **

مبارک عید باد آن پدر را که در خون خفته فرزند جانش
به خاک افتاده سرو سربلندش بریده مرگ از پیوند جانش

** * **

مبارک باد بر ناموس ملت به آن دوشیزه زیبا که چون شیر
علم افراشته از چادر خویش نشان داده به دشمن برق شمشیر

** * **

مبارک عید بر زندانیان باد که باشد ساز شان آواز زنجیر
به زیر ضربت شلاق دشمن به لب نارند جز فریاد تکبیر

